

بررسی تئوری‌های حاکم بر مقررات دولتی در حقوق عمومی اقتصادی

رضا طبرلو*

چکیده

در این مقاله، تئوری‌های عمده موجود در خصوص مقررات اقتصادی مانند تئوری‌های منافع عمومی، تئوری‌های منافع خصوصی و تئوری‌های نهادگرایان برای تبیین مبانی توجیهی، هدف، علت و چگونگی تأسیس مقررات از دیدگاه صاحب‌نظران نقد و بررسی شده است. در این بررسی مشخص شد که تئوری‌های منافع عمومی، مقررات دولتی را به عنوان شیوه‌ای برای تأمین منافع عمومی، دستیابی به کارایی بازار و رفع نارسایی‌های بازار توجیه می‌کنند. تئوری‌های منافع خصوصی، مقررات را ناشی از اعمال نفوذ گروه‌های خاص و به عنوان ابزار گروه‌های خاص برای تأمین منافع گروهی خود می‌بینند و آن را در جهت منافع عمومی نمی‌دانند. تئوری‌های نهادگرایان نیز بر این نظر است که منافع خصوصی و عمومی و نقش نهادها در به کارگیری مقررات به کار گرفته شود. انتقادهای وارد بر این تئوری‌ها نیز بیش‌تر بر نقش مقامات و نتایج و پیامدهای مقررات متمرکز است. پیشنهاد مقاله این است که مفهوم «منافع عمومی» با تعریفی جدید و جامع و با در نظر گرفتن همه منافع متعارض به ویژه نهادها و گروه‌ها و نخبگان اقتصادی بازنگری شود و در مقابل، ساختارها و قواعد نظارتی دقیقی برای جلوگیری از رانت‌خواری و انحصار وضع گردد. در این بازنگری، مقررات موجود در ایران (که شماری از آن‌ها، ترجمه از نظام‌های دیگر است) باید مطابق با شرایط زمانی، مکانی و مطابق ارزش‌های خاص جامعه ما بازسازی شود. همچنین با تبیین مبانی مقررات بر مبنای درست و با ایجاد نظامی صحیح بر اساس ارزش‌های حقوقی خود باید اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امروز کشور برآورده گردد.

کلیدواژه‌ها: ناکامی‌های بازار، تئوری منافع عمومی مقررات، تئوری منافع خصوصی مقررات، تئوری نهادگرایان از مقررات.

مقدمه

صاحب‌نظران حقوقی و اقتصادی در جهان به تدوین مقررات به عنوان یکی از ابزارهای تنظیمی توجه نشان داده‌اند و ادبیات قابل توجهی در این زمینه تولید شده است. با این حال، در نظام حقوقی ایران، هر چند مقررات به عنوان ابزار تنظیمی در سطحی گسترده به کار می‌رود، آثار و ادبیات حقوقی قابل توجهی پدید نیامده است. بدیهی است دولت برای ایفای نقش خود در تنظیم مناسبات اقتصادی و اجتماعی، نیازمند ابزارهای کارآمد و اثربخش است. امروزه مقررات به عنوان مهم‌ترین ابزار کارآمد حقوقی دولت برای ایفای وظایفش به کار می‌رود. با توجه به گستردگی وظایف و اهداف دولت و نظر به این‌که قانون‌گذار، توانایی تدوین قانون در همه زمینه‌ها به ویژه زمینه‌های تخصصی را ندارد و به دلیل این‌که مجوز تدوین مقررات به عنوان نوعی از قانون‌گذاری تکمیلی را دولت صادر می‌کند تا قانون‌گذاری اولیه به طور صحیح اجرا شود، بررسی مبانی توجیهی مقررات و این‌که چرا مقررات ایجاد شده‌اند و چه اهدافی را باید دنبال کنند، اهمیت زیادی دارد.

بررسی ادبیات مربوط به تئوری‌های حاکم بر مقررات می‌تواند در بنیان‌سازی صحیح مقررات نقشی مهم ایفا کند و در امکان بازنگری مقررات و تأسیس نهادهای مقررات‌گذار و تدوین و به کارگیری آن مؤثر باشد. نظریه‌های زیادی در خصوص چرایی مقررات ارائه شده است، ولی در این مقاله، دیدگاه‌های مربوط به مقررات در سه گروه عمده یعنی تئوری منافع عمومی، تئوری منافع خصوصی و تئوری نهادگرایان نقد و بررسی می‌شود.

گفتار اول. کلیات

بند اول. تعریف مقررات

در ادبیات حقوقی و اقتصادی، تعریف دقیق و معینی برای مقررات ارائه نشده است. محققان تلاش کرده‌اند تعریف‌هایی برای مقررات ارائه دهند. مثلاً گفته می‌شود مقررات به معنای به‌کارگیری ابزارهای حقوقی برای تأمین اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. افراد و سازمان‌ها به وسیله مقررات حکومت ملزم می‌شوند محدودیت‌هایی را رعایت کنند. مثلاً شرکت‌ها ملزم می‌شوند قیمت‌های معینی را رعایت کنند، کالاهایی خاص را تهیه کنند، از تولید کالاهای خاصی بپرهیزند، تکنیک‌های خاصی را در روند تولید به کار گیرند یا ملزم به پرداخت حداقل دست‌مزد باشند. مجازات‌ها ممکن است نقدی، حبس، حکم علیه اقدامات خاص و توقف تجارت باشد.

بند دوم. تئوری مقررات

تئوری مقررات، یک سری از ایده و فرضیه‌هایی است در مورد این که چرا مقررات به وجود آمدند؟ چه بازیگرانی در پیدایش آن نقش دارند؟ چه عکس‌العمل‌هایی میان بازیگران تنظیمی وجود دارد؟

صاحب‌نظران سعی کرده‌اند برای پاسخ‌گویی به چرایی به وجود آمدن مقررات، فراتر از حقوق، از دیگر گرایش‌های میان‌رشته‌ای از جمله علوم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده کنند. دیدگاه‌های مختلفی بین صاحب‌نظران در خصوص تئوری‌های مقررات وجود دارد. برای درک ادبیات علمی موجود در این خصوص باید به دو ایده اساسی توجه کرد. اول این که به نظر می‌آید برخی تئوری‌ها سعی کرده‌اند نوعی خط‌مشی را بین فعالان عمومی و خصوصی و نهادها ترسیم کنند، در حالی که برخی تئوری‌ها چنین تلاشی نکرده‌اند و بین تئوری‌ها و عملیات تمایزی قائل نشده‌اند. دوم این که برخی اصلاً در چارچوب عوامل و اهداف اقتصادی متمرکز شده‌اند، اما برخی دیگر در دایره‌ای وسیع‌تر به تحقیق پرداختند و به اهداف و عوامل سیاسی تشکیل‌دهنده مقررات نیز توجه کردند. به نظر می‌آید به ارزش‌ها، علاقه‌مندی‌ها و معیارهایی که معمولاً حقوق‌دانان تأکید دارند و در تفسیر و تشریح پیدایش مقررات به کار می‌برند، کم‌تر توجه شده است.^۱

تئوری‌هایی که در خصوص مقررات مطرح شده‌اند، معمولاً هر دو نوع مقررات اقتصادی و اجتماعی را دربرمی‌گیرند و بین مقررات اقتصادی و اجتماعی تمایز قائل شده‌اند.^۲ مقررات اقتصادی دو نوع از مقررات را شامل می‌شوند:

یک - مقررات ساختاری: برای تنظیم ساختار بازار به کار می‌رود، مثل محدودیت بر ورود و خروج و مقررات علیه اشخاصی که بدون داشتن مجوز رسمی مشغول خدمات حرفه‌ای هستند. دو - مقررات رفتاری: برای تنظیم رفتار در بازار است، مانند کنترل قیمت، مقررات مربوط به تبلیغات و حداقل استانداردها.^۳

مقررات اقتصادی عمدتاً در مورد انحصارهای طبیعی و ساختار بازار با رقابت محدود و گسترده به کار گرفته می‌شود. مقررات اجتماعی در زمینه‌های محیط زیست، شرایط کار و

1-Bronwen Morgan and Karen Yeung, An Introduction to Law and Regulation, Text and Materials, Cambridge University Press 2007, p.16

2-Viscusi, W. Kip, Vernon, John M. and Harrington, Joseph E. Jr, Economic of regulation and antitrust, Cambridge: MA MIT Press, 1996

3-Kay, John A. and John S. Vickers, Regulatory Reform: An Appraisal, in: Majone, Giandomenico (ed.), Deregulation or Re-regulation, London: Pinter Publishers, 1990, pp. 223-251

حمایت از مصرف‌کننده به کار می‌رود.^۱

هم‌چنین تئوری‌های مقررات اقتصادی به تئوری‌های اثباتی و هنجاری تفکیک شده‌اند. تئوری‌های مقررات اثباتی به توضیح اقتصادی مقررات و پی‌آمدهای اقتصادی مقررات می‌پردازد و تئوری‌های مقررات هنجاری، کارآیی مقررات و مطلوبیت این کارآیی و سود و هزینه ابزارها و قواعد تنظیمی را تجزیه و تحلیل می‌کنند. از جمله هزینه‌هایی که مقررات دارند، می‌توان به هزینه ایجاد، اجرا، حفظ و تغییرات مقررات اشاره کرد و منافع مقررات می‌تواند شامل اصلاح در کارآیی و به‌کارگیری منابع محدود باشد.^۲

تئوری‌های مقررات معمولاً به سه نوع عمده تقسیم می‌شود: تئوری‌های منافع عمومی،^۳ تئوری‌های منافع خصوصی^۴ و تئوری‌های نهادگرایان.^۵ همه این تئوری‌ها در تلاشند روندی را نشان بدهند که سبب به‌کارگیری یک نظام تنظیمی خاص می‌شود. همان‌طور که مقررات اساساً به عنوان دخالت دولت در اقتصاد به وسیله ایجاد اعمال قواعد حقوقی فهمیده می‌شود، تئوری‌های مقررات در مقام توضیح، چگونگی و چرایی معیارهای مربوط به آن را بیان می‌کنند. تئوری‌های منافع عمومی و تئوری‌های منافع خصوصی از علت و چگونگی مقررات توسط حکومت‌ها و حاکم کردن آن‌ها بر رفتار فعالان خصوصی بحث می‌کنند.^۶ به‌طور سنتی مرسوم است که مقررات به عنوان قواعد حقوقی مصوب دولت تلقی می‌شوند، اما تجربه نشان داده است که فعالان خصوصی و غیر دولتی نیز در ایجاد و به‌کارگیری مقررات نقش دارند. تئوری‌های منافع عمومی، مقررات را به عنوان ابزار قانون‌گذاران برای تأمین و تشویق رفاه عمومی جامعه می‌بینند. تئوری‌های منافع خصوصی مقررات در خصوص این‌که مقررات برای منافع عمومی وضع می‌شوند و قانون‌گذاران به دنبال اهداف و منافع عمومی هستند، تردید دارند و آن را ناشی از فشار گروه‌های خصوصی و در جهت منافع گروه‌ها می‌دانند. به‌باور تئوری‌های نهادگرایان، فعالان دولتی و غیر دولتی در تعقیب منافع عمومی و خصوصی در چهارچوب نظام‌های تنظیمی، وابستگی متقابلی به هم دارند.

یکی از این تئوری‌ها به دنبال این است که چرا مقررات به وجود می‌آید. تئوری دیگر، اهدافی را مشخص می‌کند که مقررات باید تعقیب کنند. مثلاً تئوری‌های منافع

1-Johan den Hertog, "General theories of regulation" Economic Institute/ CLAV, Utrecht University, 1999, p.224.

2-ibid.

3-Public interest theories of regulation .

4-Private interest theories of regulation or Capture theory.

5-Institutionalist theories of regulation.

6-Bronwen, Morgan and Karen Yeung, An Introduction to Law and Regulation, Text and Materials, Cambridge University Press, 2007, p.17

عمومی مقررات ممکن است پیدایش مقررات را پاسخی «درست»^۱ به ناکامی بازار بدانند؛ چون مقررات مطابق نظر آن‌ها باید هدف دست‌یابی به کارآیی اقتصادی را تعقیب کند. در مقابل، برخی تئوری‌های منافع خصوصی، پیدایش مقررات را نتیجه فشار گروه‌های ذی‌نفع خصوصی می‌دانند که هدفشان، تأمین منافع خودشان است. همچنین برخی طرفداران تئوری‌های خصوصی مقررات به دنبال ارزیابی این مسئله هستند که آیا مقررات، هدف کارآیی اقتصادی را هم برآورده می‌کنند یا نه.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان گفت تئوری‌های منافع عمومی، دستوری (تجویزی)^۲ و تئوری‌های منافع خصوصی، توصیفی^۳ هستند. امکان طبقه‌بندی همه تئوری‌های منافع عمومی به عنوان تجویزی (دستوری) و همه تئوری‌های منافع خصوصی به عنوان توصیفی مشکل است و به طور دقیق، نمی‌توان مرزبندی دقیقی بین این دو نظریه ترسیم کرد. نظریه سوم یعنی نهادگرایان هم همین ویژگی را دارند.

گفتار دوم. تئوری منافع عمومی مقررات

این تئوری از جنبه هدف منافع عمومی به مقررات نگاه می‌کند. در این تئوری، منافع عمومی را می‌توان در توزیع منابع محدود برای کالاهای جمعی و فردی دید. در بسیاری از نظام‌های اقتصادی غربی، توزیع منابع کم تا حد زیادی با مکانیسم‌های بازار هماهنگ شده است.^۴ مطابق این نظر، مقررات دولتی، یکی از شیوه‌های دست‌یابی به کارآیی در توزیع منابع است. مطابق تئوری منافع عمومی، مقررات دولتی، ابزاری است برای چیرگی بر ناکامی‌های بازار، عوارض بیرونی، انحصار یا رقابت نادرست، عملکرد نامتوازن بازار و پی‌آمدهای نامطلوب بازار. پس با مقررات می‌توان توزیع را با تسهیل، حفظ و تسریع فعالیت بازار اصلاح کرد.

مطابق این نظر، مبادله کالاها و تضمین حقوق اموال و اجرای قرارداد در نظام جمعی و عمومی، بهتر و کارآتر از نظام فردی و خصوصی سازمان‌دهی می‌شود و هزینه‌های معاملات بازار کاهش می‌یابد. به طور کلی، این تئوری‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که صرفاً به کارآیی اقتصادی توجه دارند و اهداف مقررات تنظیمی را دست‌یابی به کارآیی اقتصادی می‌دانند و گروه دیگر، اهداف سیاسی را نیز دنبال می‌کنند.

1-Correct.

2-Prescriptive.

3-Explanatory.

4-Arrow, Kenneth J., 'the potentials and limits of the market in resource allocation', Feiwel, G. R. (ed), in: issues in contemporary micro economical welfare, London: the Macmillan press, 1985, pp.107-124

بند اول. برداشت‌های اقتصادی رفاهی

مدل اقتصادی نظریه منافع عمومی، معروف و شناخته شده است. به عبارتی ساده، این برداشت پیشنهاد می‌کند که مقررات در پاسخ به معایبی در بازار است که با عنوان «نارسایی بازار» شناخته می‌شود. اصلاح نارسایی‌های بازار موجب رفاه عمومی و در نتیجه، حفظ منافع عمومی می‌شود. بنابراین، اشخاصی که مقررات را وضع می‌کنند، نماینده منافع عمومی هستند. نارسایی بازار شامل انحصار و دیگر رفتارهای ضد رقابت، عوارض سوء خارجی، ناممکن بودن برآوردن کالاهای عمومی و اطلاعات ناقص یا نامتقارن در بازار است. آنتونی اوگوس در اثر خود به نام «مقررات» می‌گوید: «مقررات به عنوان ضرورت اعمال قدرت جمعی از طریق دولت برای حل ناکامی‌های بازار است تا عموم را از شر رفتارهای انحصاری، رقابت مخرب، سوء استفاده قدرت‌های اقتصادی خصوصی یا آثار و پی‌آمدهای نامطلوب مواظبت کند. این عوامل موجب تضعیف منافع عمومی می‌شود. مقررات از این جهت نیز توجیه می‌شود که نظام تنظیمی، کارهایی را می‌کند که بازار قادر به آن کار نیست. ... هر گونه تلاشی که بخواهد فهرست جامعی از اهداف تئوری‌های منافع عمومی را تنظیم کند که قادر به توجیه مقررات باشد، ناموفق خواهد بود. آنچه منافع عمومی را ایجاد می‌کند، مطابق زمان، مکان و ارزش‌های خاص مربوط به یک جامعه خاص متفاوت است. پس اهداف اقتصادی منافع عمومی در مطالب و نوشته‌های غربی بیش‌تر بیانگر دلایل وضع مقررات بر اساس ویژگی‌های خاص جوامع غربی است»^۱.

بند دوم. تئوری‌های منافع عمومی و نارسایی‌های بازار

مطابق تئوری‌های منافع عمومی، بازار دارای نارسایی‌هایی است که با مقررات، این نارسایی‌ها برطرف می‌شود. از جمله این نارسایی‌ها به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) نامتوازن بودن بازار

نبود توازن در عملکرد بازار یکی از مشکلاتی است که موجب ناکامی بازار می‌شود و مقررات، قابلیت حل این مشکل را دارد و در ایجاد ثبات و توازن بازار نقش کمکی دارد. معمولاً نبود توازن در اقتصادی که بازارهای جدا از هم دارد، اتفاق می‌افتد. در بازارهای جدا از هم و مجزا، رقابت به وجود می‌آید. این وضعیت بیش‌تر به خاطر انباشت کالا در بازار بدون وجود تقاضا اتفاق می‌افتد. با رفع این مشکل (یعنی انباشت کالای بدون تقاضا)، کارآیی به وجود می‌آید.

1-Ogus, Anthony, Regulation: Legal, Form and Economic Theory, Oxford: Hart Publishing, 2004, p. 73

رقابت مخرب نه تنها موجب پایین آمدن سطح قیمت‌ها می‌شود، بلکه موجب نوسان گسترده قیمت‌ها نیز می‌شود، به طوری که باعث سردرگمی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌گردد؛ زیرا نمی‌توانند اطمینان داشته باشند و درست تصمیم بگیرند. در نهایت، رقابت فاحش و مخرب موجب می‌شود ایمنی و کیفیت کالاها پایین بیاید.^۱

نامتوازن بودن بازار موجب بی‌ثباتی در چرخش تجاری هم می‌شود یعنی دوره افزایش و کاهش فعالیت‌های اقتصادی، مرتب در تغییر و نوسان است و بی‌ثباتی چرخش تجاری را موجب می‌شود. برای ثبات چرخش اقتصادی لازم است از کاهش تولید و اشتغال در گروه‌های اجتماعی اثرگذار جلوگیری شود. معمولاً برای ثبات چرخش اقتصادی، از سیاست‌های تجاری، ابزارهای بودجه و پولی استفاده می‌شود.

ب) نارسایی‌های اطلاعات (اطلاعات ناقص یا نامتقارن در بازار)

تئوری منافع عمومی علاوه بر مشکل رقابت ناروا و عملکرد نامتوازن بازار در خصوص نارسایی اطلاعات در بازار نیز توضیح می‌دهد. ناکامی بازار ممکن است ناشی از نارسایی‌های اطلاعات و هزینه‌های معاملات و عوارض نامناسب تولیدات کالاها و امکان ناپذیر بودن تولید کالاهای عمومی باشد. در همه این موارد، مقررات می‌تواند کارآیی اقتصادی بازار را اصلاح کند. مشکل این است که در بازار، اطلاعات پنهان و توزیع ناهمگون اطلاعات راجع به قیمت‌ها، کمیت‌ها و کیفیت کالاها وجود دارد. وقتی تولیدکنندگان کالاهای باکیفیت نمی‌توانند کالای خود را به قیمت مناسب در بازار بفروشند، عملاً کالاهای با کیفیت پایین خریداری می‌شود و کالاهای باکیفیت در بازار می‌مانند.^۲ در این روند، «انتخاب نامطلوب»^۳ اتفاق می‌افتد که از نبود اطلاعات درست در بازار اتفاق می‌افتد. هم‌چنین توزیع ناهمگون اطلاعات موجب ضرر معنوی^۴ در اجرای قراردادهای می‌شود یعنی طرفین از اطلاعات خود سوء استفاده می‌کنند.^۵

دو مشکل «انتخاب نامطلوب» و «ضرر معنوی» را می‌توان در مسائلی مانند گواهی‌ها و مجوزها و دیگر مقررات تجاری برای گروه‌های حرفه‌ای مانند سازندگان ساختمان و آرایشگرها توضیح داد. مشکلات «انتخاب نامطلوب» و «ضرر معنوی» در بازار بیمه زیاد اتفاق می‌افتد.

1-Kahn, Alfred E., *The Economics of Regulation: Principles and Institutions*, Cambridge: MA, MIT Press, 1988, pp. 559 and 172-178

2-Akerlof, George A., 'The Markets for 'Lemons': Qualitative Uncertainty and the Market, Mechanism', 84 Quarterly Journal of Economics, 1970, pp.488-500

3-Adverse Selection.

4-Moral hazard.

5-Leland, Hayne E., 'Quacks, Lemons, and Licensing: A Theory of Minimum Quality Standards', 87 Journal of Political Economy, 1979, pp.1325-1346

مثلاً بیمه‌گران هر چند ممکن است اطلاعات خوبی در خصوص خطرها داشته باشند، اما اطلاعات خوبی راجع به کیفیت خدمات‌دهی شعبه‌های بیمه نداشته باشند.^۱ نواقص بازار هم‌چنین ممکن است ناشی از هزینه جست‌وجوی کالا باشد، مانند مواردی که مصرف‌کنندگان به اطلاعات مربوط به کالاها دسترسی نداشته باشند. بدیهی است اگر قواعد و مقرراتی برای تعیین قیمت و کیفیت کالاها معین شده باشد، هزینه جست‌وجو هم کم می‌شود. از طرفی، با محدود یا ممنوع کردن تبلیغات، هزینه معاملات کم‌تر می‌گردد. در ضمن، ایجاد قواعد و مقررات در خصوص در دسترس قرار دادن اطلاعات و مقررات ممنوعیت و ایجاد ابزارهای ضمانت اجرای برای این ممنوعیت موجب کاهش هزینه معاملات می‌شود.^۲

ج) عوارض بیرونی^۳

عوارض بیرونی تولیدات موجب افزایش هزینه‌های معاملات می‌شود. دولت برای جلوگیری از عوارض بیرونی با ابزار مقررات، اثرات خارجی را درونی می‌کند. عوارض بیرونی وقتی به وجود می‌آید که یک بنگاه یا فرد، فعالیتی را انجام می‌دهد که به طور مستقیم بر دیگران (بنگاه یا فرد دیگر) اثر (مثبت یا منفی) می‌گذارد، ولی به ازای آن، پولی پرداخت یا دریافت نمی‌کند. به این معنی که فرد یا بنگاه ایجادکننده اثر جانبی هزینه‌ها یا منافع ناشی از این عمل را در محاسبات خود وارد نمی‌کند.^۴

در اقتصاد، عوارض بیرونی، هزینه یا نفعی است که بر طرفی اثر می‌گذارد که هیچ‌گونه اختیاری در انتخاب آن هزینه یا سود ندارد.^۵ برای مثال، فعالیت‌های صنعتی که موجب آلودگی هوا می‌شود، هزینه‌های پاک‌سازی و سلامت را بر کل جامعه تحمیل می‌کند. در حالی که همسایگان یک شخص تصمیم می‌گیرند خانه خود را به سیستم ضد آتش مجهز کنند، ممکن است این شخص از کاهش خطر گسترش احتمالی آتش به خانه‌اش سود ببرد. تولیدکننده در صورت ایجاد آلودگی، ملزم به پرداخت هزینه‌های ناشی از آن می‌شود. اگر منافع جانبی نظیر

1-Rothschild, Michael and Stiglitz, Joseph E., 'Equilibrium in Competitive Insurance Markets', 90 Quarterly Journal of Economics, 1976, p. 639

2-Barzel, Yoram, 'Transaction Costs: Are They Just Costs?', 141 Journal of Institutional and Theoretical Economics, 1985, p.5

3-Externalities.

4-www.wikipidia.com .

5-Buchanan, James and Wm. Craig Stubblebine, "Externality", *Economica*, Vol.29, No. 116, November 1962, p. 371

ایمنی عمومی وجود داشته و تولیدکننده، دریافتی از این بابت داشته باشد، بر فعالیت‌های تجاری خود خواهد افزود. اگر اثرهای جانبی نظیر آلودگی وجود داشته باشد و تولیدکننده ملزم به پرداخت هزینه‌های اجتماعی بشود، تولید را بیش‌تر نمی‌کند. هم‌چنین اگر تولیدکننده، اثرهای مثبت یعنی نفع مانند ایمنی عمومی را فراهم کند، به‌طور طبیعی اگر بابت ایجاد منافع چیزی دریافت کند، می‌تواند بیش‌تر به انجام دادن این‌گونه اقدامات تشویق شود.^۱

بنابراین، در مورد کالاهایی که تولید آن، اثراتی منفی یا مثبت برای اجتماع دارد، اگر قیمت‌های بازار تنظیم نشده باشد، هزینه‌های اجتماعی و منافع معاملات مشخص نمی‌شود. در چنین مواردی، دولت می‌تواند با وضع مقررات، اثرات خارجی را درونی بکند.^۲ نمونه‌هایی از مقررات عبارتند از مقررات ایمنی برای مواردی نظیر اتومبیل‌ها، مواد غذایی و آلودگی صوتی هواپیماها.^۳

در تحقیقات اخیر، بحث عوارض درونی جایگاه مهمی پیدا کرده است. به نظر می‌آید افزایش پیچیدگی تکنولوژی و جامعه امروزی، اثرات جانبی فزاینده‌ای را ایجاد کرده است که تدارک و تهیه فهرستی طولانی از عوارض بیرونی را ضروری می‌سازد. بحث عوارض بیرونی هم از نظر سیاست‌گذاری و تئوریک اهمیت دارد.

بدون دخالت در سازوکار تعیین قیمت، معاملات مفید انجام نمی‌شود، بلکه دو نتیجه حاصل می‌شود: اول این‌که فعالان بازار، خودشان، قادر به حذف ناکارآمدی مربوط نیستند. پس این وضعیت، اقدام فوری حکومت را ضروری می‌سازد. دوم این‌که از نظر تئوری، اقدام معقول برای دولت این است که نمایندگان اقتصادی بازار را از طریق ایجاد رویه‌های مناسب ملزم کند اثرات جانبی را هم در تولیدات خود در نظر بگیرند.^۴

1-Laffont, J. J., "Externalities", In The New Palgrave Dictionary of Economics, S. N. Durlauf and L. E. Blume (Ed.) Second Edition, 2008; Kenneth J. Arrow, "The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice market Allocations," in Analysis and Evaluation of Public Expenditures: The PPP System. - of Market versus Non Washington D.C.: Joint Economic Committee of Congress, 1969, pp. 1-16

2-Gruenspecht, Howard K. and Lave, L.B, 'The Economics of Health, Safety and Environmental Regulation', in Schmalensee, Richard and Willig, Robert D. (eds), Handbook of Industrial Organization II, Amsterdam: North Holland, 1989, P. 1508

3-Carl J. Dahlman, "The Problem of Externality", Journal of Law and Economics, Vol. 22, No. 1, Apr. 1979, p. 141-142

4-op.cit, p. 143 .

د) کالاهای عمومی

بازار در تولید کالاهای عمومی،^۱ ناکام است. کالاهای عمومی شامل نظم عمومی، دفاع، تولید برق، روشنایی خیابان‌ها، رادیو و تلویزیون (به معنای سنتی و گذشته آن) و امروزه، برخی خدمات عمومی مانند آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل، پارک‌هاست.^۲ اگر بازار قادر به تولید این کالاها نباشد، مقررات حکومتی برای ایجاد کالاهای عمومی و استفاده بهینه از منابع اقتصادی ضروری است؛ چون اول این‌که مستثنی کردن اشخاصی که حاضر به پرداخت هزینه مصرف کالاهای عمومی نیستند، ناممکن یا خیلی پرهزینه است. دوم این‌که مصرف این‌گونه کالاها توسط یک شخص به هزینه شخص دیگری امکان‌پذیر نیست.^۳

ه) نتایج نامطلوب بازار^۴

تئوری منافع عمومی، جلوگیری و اصلاح نتایج نامطلوب بازار را نیز توجیه می‌کند. در یک بازار رقابتی، شرکت‌کنندگان در یک جریان فعالیت اقتصادی، اگر مولد باشند، تشویق می‌شوند، اما این بازار ممکن است نامطلوب باشد. بازار نمی‌تواند با توزیع مجدد و توزیع کالا باعث افزایش رفاهی و اقتصادی سطح عمومی شود. هم‌چنین اصطلاح «نتایج نامطلوب بازار» به دلایلی غیر اقتصادی ممکن است مطلوب تلقی شود، مانند عدالت، انگیزه‌های پدرسالارانه یا اصول اخلاقی. در مواردی نیز لازم است بین کالای اقتصادی و عدالت، توازن ایجاد شود.^۵

تئوری منافع عمومی معمولاً برای توضیح مقررات برای هدف کارآیی اقتصادی به کار برده می‌شود.^۶ در دیگر موارد، تئوری منافع عمومی به طور گسترده تفسیر شده است و برای اصلاح ناکارآمدی یا رویه‌های نامنصفانه بازار به کار می‌رود.^۷ مقررات به منظور استفاده اجتماعی کارآ از منابع محدود نیز به کار می‌رود. مثال‌هایی از قوانین و قواعد که هدف جلوگیری یا بهینه کردن

1-public goods.

2-Bohm, Peter, Social Efficiency, London: Macmillan, 1987.

3-Musgrave, Richard A. 'Provision for Social Goods', in Margolis, Julius and Guitton, H. (eds), Public Economics, New York: St. Martin's Press, 1969, p.124

4-undesirable market Results .

5-Okun, Arthur, Equality and Efficiency: the Big Tradeoff, Washington: Brookings Institution, 1975

6-Joskow, Paul L. and Noll, Roger C., 'Regulation in Theory and Practice: An Overview', in Fromm, Gary (ed.), Studies in Public Regulation, Cambridge: MA, The MIT Press, 1981, 1-66

7-Posner, Richard A. 'Theories of Economic Regulation', 5 Bell Journal of Economics and Management Science, 1974, p. 335

نتایج نامطلوب را دارند، عبارتند از: حداقل دست‌مزد قانونی، حداکثر اجاره، یارانه‌های پستی، مکالمات تلفنی، حمل و نقل مسافر، قواعد افزایش دسترسی به بهداشت، قواعد تضمین‌کننده درآمد در زمان بیماری، بی‌کاری، ناتوانی، سالمندی و مانند آن.

بند سوم. نقد تئوری منافع عمومی

به تئوری منافع عمومی از لحاظ نظری و عملی انتقاد شده است. منتقدان معتقدند در عمل، مکانسیم بازار، قادر به جبران هر نوع ناکارآمدی است. مثلاً در خصوص مشکل «انتخاب نامطلوب» با وجود مکانسیم‌های پیشرفته مانند تضمین‌ها،^۱ تبلیغات و آگهی‌های وسیع که نشانه کیفیت کالا را دارد، می‌توان مشکل را حل کرد. هم‌چنین برخی کالاهای عمومی مانند روشنایی خیابان‌ها، آموزش و درمان توسط بخش خصوصی قابل تأمین است. درباره این ایده که مقررات دولتی مؤثر و کارآ و بدون هزینه زیاد قابل اعمال است و هزینه‌های معاملات و هزینه‌های اطلاعات موجب ناکامی بازار می‌شود، گفته‌اند که این مشکلات با وجود مقررات دولتی نیز بروز می‌کند. به این ایده‌ها از لحاظ نظری و عملی انتقاد وارد شده است.^۲

تحقیقات نظری نشان می‌دهد که با وجود پی‌گیری هدف کارآیی در اقتصاد ممکن است در مواقعی، عوامل ناکارآمد اجتناب‌ناپذیری در یکی از بخش‌های اقتصادی به وجود آید و کل اقتصاد را ناکام کند، مانند رقابت نادرست در یک بخش بازار باعث تخریب کل اقتصاد شود. این ناکارآمدی اجتناب‌ناپذیر ممکن است ناشی از عوارض خارجی، مالیات، رقابت نادرست و اطلاعات نادرست باشد.^۳

برخی تحقیقات نشان می‌دهد دستگاه‌های تنظیم‌کننده مقررات هم در تنظیم قواعد و هم در به‌کارگیری این قواعد از اطلاعات نادرست استفاده می‌کنند. پس تجارت و بازار تنظیمی با ابزارهای ناکارآمد شکل می‌گیرد و قادر به تولید کالا با هزینه کم نیست.^۴ تحقیقات عملی نیز در خصوص مؤثر بودن و کارآیی مقررات دولتی بر تئوری منافع عمومی انتقاد وارد کرده است. مثلاً تحقیقات نشان می‌دهد که اثرات مقررات در موضوعات مربوط به کالاهای انحصاری طبیعی مانند اثرات مقررات قیمت بر تولیدکنندگان برق ناچیز

1-undesirable market Results.

2-Nelson, Philip, 'Advertising as Information', 82 Journal of Political Economy, 1974, p. 729.

3-Utton, M.A., The Economics of Regulating Industry, Oxford: Blackwell, 1986, p. 243.

4-Baumol, William J. and Klevorick, Alvin K., 'Input Choices and Rate of Return Regulation: an Overview of the Discussion', 1 Bell Journal of Economics and Management Science, 1970, p.162

است. هم‌چنین تنظیم بخش‌های رقابتی مانند حمل و نقل هوایی و دریایی موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود.^۱

تجربه عملی اثبات می‌کند که مقررات بیانگر یک ساختار تعیین قیمت ناکارآمد است و فقط به گروه‌های مصرف‌کننده یارانه پرداخت می‌کند. هم‌چنین اثرات مقررات‌زدایی اقتصادی نشانه آن است که مصرف‌کنندگان منافع زیادی می‌برند و در مواردی، تولیدکنندگان هم‌ذی‌نفع هستند.^۲ در نهایت، استدلال‌هایی وجود دارد که مبتنی بر این فرض است که حتی قانون‌گذار رقابت به عنوان یک ابزار انحصاری مورد سوء استفاده قرار گرفته است.^۳ استدلال تئوری منافع عمومی بر این است که مقررات، هدف کارآیی اقتصادی را برآورده می‌کند، در حالی که قادر به توضیح‌دهی و پاسخ‌گویی نیست؛ چون اهداف مربوط به انصاف و توزیع مجدد باید با هزینه هدف کارآیی دنبال شود.^۴

هم‌چنین در مواردی که بین هدف کارآیی با هدف عدالت تعارض پیدا می‌شود، اولاً این تئوری قادر به حل آن نیست؛ چون معیار دقیقی برای عدالت و توافقی در خصوص تعریف عدالت وجود ندارد. ثانیاً ایجاد کارآیی اجتماعی مقررات مستلزم این است که بین کارآیی اقتصادی و عدالت توازن ایجاد شود.^۵

تئوری منافع عمومی کامل نیست؛ چون تئوری مشخص نمی‌کند چگونه منافع عمومی در اعمال قانون‌گذار دیده می‌شود. کارآیی، رفاه اقتصادی را افزایش می‌دهد، ولی مشخص نمی‌کند دادن یا ندادن امتیازات متوجه چه کسانی است.

1-Jordan, William A., 'Producer Protection, Prior Market Structure and the Effects of Government Regulation', 15 Journal of Law and Economics, 1972, 151-176

2-Winston, Clifford, 'Economic Deregulation: Days of Reckoning for Microeconomists', 31(3) Journal of Economic Literature, 1993, 1263-1289

3-Baumol, William J. and Ordover, Janusz A., 'Use of Antitrust to Subvert Competition', 28, Journal of Law and Economics, 1985, 247-265

4-Joskow, Paul L. and Noll, Roger C., 'Regulation in Theory and Practice: Studies in Public Regulation, Cambridge: MA, The MIT Press, 1981, p. 36

5-Ng, Yew Kwang, 'Some Fundamental Issues in Social Welfare', in Feiwel, G.R. (ed.), Issues in Contemporary Microeconomics and Welfare, London: The Macmillan Press, 1985, 435-469

گفتار سوم. تئوری منافع خصوصی مقررات

این تئوری را صاحب‌نظران آزادی‌خواه، دولت رفاه و مارکسیست‌ها و اقتصاددانان بازار آزاد ارائه کرده‌اند. نمونه جالب توجه، تئوری منافع خصوصی یا گاپچر تئوری^۱ توسط صاحب‌نظران علوم سیاسی توسعه یافته است. دو صاحب‌نظر معروف این تئوری، بنتلی و ترومن^۲ هستند. این دو صاحب‌نظر و طرفداران این دو صاحب‌نظر معتقدند که سیاست‌های عمومی بر مبنای منافع گروه‌ها شکل گرفته است.^۳

تئوری منافع خصوصی، مقررات را ناشی از رقابت بین شرکت‌کنندگانی می‌داند که به دنبال رانت هستند و به صورت خودخواهانه در قانون‌گذاری اعمال نفوذ می‌کنند. این شرکت‌کنندگان برای تضمین منافع خود در قانون‌گذاری، در فرآیندهای سیاسی و قانون‌گذاری نقش ایفا می‌کنند. نظریه‌های منافع خصوصی تا حد زیادی ماهیت توضیحی دارند و به توضیح چگونگی و چرایی پیدایش مقررات می‌پردازند. برخی از نظریه‌های منفعت خصوصی ممکن است به صورت تجویزی به دنبال ارزیابی این نکته باشد که آیا نتایج به دست آمده از نظر اقتصادی، کارآمد هستند یا نه. به طور معمول مشاهده می‌شود که منابع اختصاص‌یافته برای برنده شدن در بازی مقررات به اتلاف اقتصادی منجر می‌شود و بنابراین، از نظر اجتماعی، غیر مولد هستند.^۴

بنابراین، تئوری‌های منافع خصوصی مقررات بر پایه این فرض قرار گرفته است که مقررات برخاسته از اعمال اشخاص یا اهداف گروه‌ها برای به حداکثر رساندن منافع خودشان است. مطابق این نظر، ممکن است مقررات، منافع عمومی را دنبال کند یا نکند. اگر هم دنبال منافع عمومی باشد، غیر عادی و عجیب است. تفاوت‌های زیادی بین صاحب‌نظران این تئوری وجود دارد.^۵

تئوری‌های منافع عمومی بر ناکامی بازار تأکید می‌کنند و بر این نظرند که مقررات قابلیت اصلاح این ناکامی‌ها را دارند. تئوری‌های منافع خصوصی بر ناکامی مقررات و گرایش

1-Capture Theory.

2-Bentley & Truman.

3-Truman, David B., *The Government Process: Political Interests and Public Opinion*, New York: Alfred A. Knopf, 1951; Bentley, Arthur F., *The Process of Government*, Harvard University Press, 1908

4-Ogus, A. *Regulation: Legal, Form and Economic Theory*, Oxford: Hart Publishing, 2004, p. 73 .

5-Posner, Richard A., "Theories of economic regulation NBER working paper series, Working Paper No.41 , Center for economic analysis of human behavior and social institutions", National Bureau of Economic Research, 1974, p.2

مقررات برای تأمین منافع گروه خاص تأکید دارند به جای این که به دنبال برآوردن رفاه جمعی باشند. البته بر این تئوری نیز از جهت‌هایی انتقاد شده است. اولاً این تئوری از تئوری منافع عمومی کاملاً قابل تشخیص نیست؛ چون این تئوری نیز بر این فرض استوار است که تئوری منافع عمومی، نقطه شروع توجه به مقررات است. از طرفی، مشخص نمی‌کند که چرا یک گروه یا شعبه‌ای از صنعت در تحمیل منافع گروهی خود بر سازمان تنظیم‌کننده مقررات موفق بوده است، اما نمی‌تواند مانع ایجاد مقررات شود. ثانیاً مقررات بیش‌تری وجود دارند که در جهت تأمین منافع گروه‌های مصرف‌کننده هستند، به جای این که در جهت تأمین بخش‌هایی از صنعت باشند. ثالثاً بیش‌تر مقررات مانند مقررات محیط زیست، مقررات ایمنی و تولیدات و شرایط ایمنی کار نه تنها در جهت منافع شرکت‌ها نیستند، بلکه بر خلاف منافع آن‌ها نیز هستند.

در نهایت، تئوری منافع خصوصی، بیش‌تر یک فرضیه^۱ است تا تئوری؛ چون توضیح نمی‌دهد که چرا شعبه‌ای از صنعت قادر به کنترل و به‌کارگیری یک سازمان تنظیمی مقررات است، اما مصرف‌کنندگان در جلوگیری از تسلط آن‌ها ناکام هستند.^۲

گفتار چهارم. تئوری نهاد‌گرایان

در این دیدگاه، منافع خصوصی و عمومی و نقش نهادها در به‌کارگیری مقررات در نظر گرفته شده است. این نهادها شامل بازار، خانواده، بنگاه‌های اقتصادی و امثال آن می‌شود. این دیدگاه علاوه بر انگیزه‌های نفع شخصی و گروهی، نقش نهادها را نیز در پیشرفت و کارکرد مقررات‌گذاری در نظر می‌گیرد و مجموعه عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به عبارتی، عوامل زمانی و مکانی را در امور اقتصادی و حقوقی اثرگذار می‌داند. مطابق این دیدگاه، انگیزه‌های درون‌گروهی نیز می‌توانند در جهت منافع عمومی و در خدمت جامعه باشند. مثلاً در نهاد خانواده، حس هم‌دوستی و روابط عاطفی نزدیک اعضای خانواده در جهت منافع جامعه نیز مؤثر واقع می‌شود.

گروهی از نهاد‌گرایان با استفاده از دیدگاه‌های نئوکلاسیک‌ها از جمله حداکثر مطلوبیت، مکتب نهاد‌گرایی جدیدی تشکیل دادند.^۳ برخلاف هر دو نظریه تئوری عمومی و تئوری خصوصی که بیش‌تر، بازیگر محور هستند، نهاد‌گرایان در تلاشند به مجموعه‌ای از رویکردها توجه کنند که به طور گسترده در تجزیه و تحلیل تعاملات مقررات‌گذاری به کار می‌روند. پس به جای تمرکز بر

1-Hypothesis .

2-op.cit, pp.14-17 .

۳. بادینی، حسن، «جزوه حقوق اقتصادی»، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۱۷.

پویایی بین بازیگران انفرادی، بر نظریه سیستم متمرکزند. برای مثال، بر پایه پویایی «سیستم قانونی»، «سیستم اقتصادی» یا «سیستم سیاسی» تمرکز دارند. این دیدگاه، محتوا و حدود و ثغور یک سیستم را با ارجاع به سیستم‌های حقوقی، اقتصادی و سیاسی تعریف می‌کند.

هدف در دیدگاه نهادگرایی، به کارگیری نظریه‌ای در حوزه‌های مبتنی بر قاعده یا به کارگیری روابط بین حوزه‌های مختلف مبتنی بر قاعده است. همچنین در توضیح این که چرا و چگونه مقررات به وجود می‌آیند، نقش مهم ایفا می‌کند یعنی سازمان‌های رسمی مانند سازمان‌های تنظیمی، نهادها و دولت‌ها، قواعد و خط‌مشی‌هایی مانند تجزیه و تحلیل خطر، محاسبه سود و ضرر و قواعد حمایتی را در توجیه مقررات به کار می‌برند. در این دیدگاه به نقش نهادها، سازمان‌ها و سیستم‌ها در نهادهای تنظیمی اهمیت زیادی داده می‌شود.^۱

1-Ayres and Braithwaite, *Responsive Regulation: Transcending the Deregulation Debate*, Oxford University Press, 1992.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نقش مقررات به عنوان یک نظام تنظیمی و به عنوان ابزار دخالت دولت در اقتصاد بررسی شد. مبانی توجیهی مقررات و این که چرا مقررات ایجاد شده‌اند و چه اهدافی را باید دنبال کنند، در قالب سه دیدگاه عمده به نام تئوری‌های منافع عمومی، تئوری‌های منافع خصوصی و تئوری‌های نهادگرایان بررسی گردید.

مطابق تئوری‌های منافع عمومی، مقررات دولتی، یکی از شیوه‌های دستیابی به کارآیی در توزیع منابع است و ابزاری در دست قانون‌گذاران برای تأمین و تشویق رفاه عمومی جامعه، اصلاح و برطرف کردن ناکامی‌های بازار، عوارض بیرونی، انحصار یا رقابت نادرست، عملکرد نامتوازن بازار، ناممکن بودن فراهم کردن کالاهای عمومی، اطلاعات ناقص یا نامتقارن در بازار است. پس با مقررات می‌توان توزیع را با تسهیل، حفظ و تسریع فعالیت بازار اصلاح کرد.

طرفداران تئوری‌های منافع خصوصی، مقررات را ناشی از فشار گروه‌های خصوصی و در جهت منافع این گروه‌ها می‌دانند. مقررات را ناشی از رقابتی می‌دانند که گروه‌ها با استفاده از رانت و اعمال نفوذ در فرآیند مقررات‌گذاری و تصمیم‌گیری نقش ایفا می‌کنند. بنابراین، مقررات ناکام می‌ماند و به جای این که به دنبال برآوردن منافع عمومی باشد، برای تأمین منافع گروه خاص است.

تئوری‌های نهادگرایان بر روند چگونگی کارکردهای نهادهای تنظیمی تمرکز دارند. صاحب‌نظران این تئوری معتقدند فعالان دولتی و غیر دولتی در تعقیب منافع عمومی و خصوصی در چارچوب نظام‌های تنظیمی، وابستگی متقابلی به هم دارند. در این دیدگاه، منافع خصوصی و عمومی و نقش نهادها در به کارگیری مقررات در نظر گرفته شده است. این دیدگاه علاوه بر انگیزه‌های نفع شخصی و گروهی، نقش نهادها را نیز در پیشرفت و کارکرد مقررات‌گذاری در نظر می‌گیرد و مجموعه عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یا به عبارتی، عوامل زمانی و مکانی را در امور اقتصادی و حقوقی اثرگذار می‌داند.

این تئوری‌ها، همه اهداف و مبانی توجیهی را برای مقررات تعریف می‌کنند. مقررات باید در راستای منافع عمومی هدایت شوند. در مقررات باید منافع نخبگان اقتصادی که نتیجه تلاش‌ها و خلاقیت‌های آن‌ها موجب ارتقا و پیشرفت اقتصاد می‌شود، تشویق و حمایت شود. با این حال، لازم است با ایجاد محدودیت‌هایی، از شکل‌گیری هر نوع انحصار جلوگیری گردد. خلاصه این که مفهوم منافع عمومی بهتر است با تعریف جدیدی به کار رود و در آن، منافع همه گروه‌های خصوصی به ویژه نخبگان، کارکرد نهادها و منافع عموم

دیده شود. در صورت به‌کارگیری مقررات در جهت منافع گروه‌های خاص و بی‌توجهی به منافع عمومی، ایراد مقام مقررات‌گذار آشکار می‌شود که باید مقام مقررات‌گذار را از انحصار گروهی خاص نجات داد و مقررات را در جهت منافع عمومی بازنگری کرد.

مقررات دولتی، یکی از شیوه‌های دست‌یابی به کارآیی در بازار و توزیع عادلانه منابع و رفع ناکامی‌های بازار و ابزاری است برای فایق شدن بر انحصار و ایجاد رقابت منصفانه در بازار. اگر مقررات، ناکارآمد شود یا در انحصار گروه‌های ذی‌نفوذ درآید، راه حل ناکامی مقررات، حذف آن نیست، بلکه اصلاح آن و ایجاد اصلاحات در مقامات مقررات‌گذار است. از طرفی، بسیاری از مقررات مجری در ایران، ترجمه مقررات مربوط به دیگر کشورهاست. بدیهی است آن‌چه منافع عمومی را ایجاد می‌کند، مطابق زمان، مکان و ارزش‌های خاص مربوط به یک جامعه خاص متفاوت است. پس برای تأمین منافع عمومی در کشور، مقررات باید مطابق شرایط زمانی، مکانی و ارزش‌های خاص جامعه ما شکل بگیرد.

وضعیت جدیدی در نظام اقتصادی و حقوقی ایران در حال شکل‌گیری است. با برنامه خصوصی‌سازی، مقررات را باید متناسب با شرایط جدید بازنگری و اهداف دولت را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی برآورده کرد. بنابراین، مبانی شکل‌گیری مقررات باید دقیقاً بررسی و متناسب با شرایط خاص هر حوزه بازسازی شود. بدیهی است تقویت و تعریف دقیق بنیان و مبانی مقررات می‌تواند نظام اداره کشور را در همه زمینه‌ها از پراکندگی، بی‌هدفی و سردرگمی رهایی دهد و نظامی متناسب با اهداف قانون اساسی و شرایط زمانی، اقتصادی و اجتماعی امروزی و مطابق ارزش‌های خاص کشور ایجاد کند.

فهرست منابع

۱. فارسی

۱. بادینی، حسن، «جزوه حقوق اقتصادی»، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۹.

2-Latin source

A) Book

1-Ayres and Braithwaite, Responsive Regulation: Transcending the Deregulation Debate, Oxford University Press, 1992

2-Bentley, Arthur F., The Process of Government, Harvard University Press, 1908.

3-Bohm, Peter, Social Efficiency, London: Macmillan, 1987.

4-Bronwen, Morgan and Karen Yeung, An Introduction to Law and Regulation, Text and Materials, Cambridge University Press, 2007

5-Kahn, Alfred E., The Economics of Regulation: Principles and Institutions, Cambridge: MA, MIT Press, 1988

6-Kay, John A. and John S. Vickers, Regulatory Reform: An Appraisal, in: Majone, Giandomenico (ed.), Deregulation or Re-regulation, London: Pinter Publishers, 1990

7-Majone, Giandomenico (ed.), Deregulation or Reregulation, London: Pinter Publishers, 1990

8-Ogus, Anthony, Regulation: Legal, Form and Economic Theory, Oxford: Hart Publishing, 2004

9-Okun, Arthur, Equality and Efficiency: the Big Tradeoff, Washington: Brookings Institution, 1975

10-Truman, David B., The Government Process: Political Interests and Public Opinion, New York: Alfred A. Knopf, 1951

11-Utton, M.A., The Economics of Regulating Industry, Oxford: Blackwell, 1986.

12-Viscusi, W. Kip, Vernon, John M. and Harrington, Joseph E. Jr, Economic of regulation and antitrust, Cambridge: MA MIT Press, 1996

B) Article

- 1-Akerlof, George A., 'The Markets for 'Lemons': Qualitative Uncertainty and the Market, Mechanism', 84 Quarterly Journal of Economics, 1970
- 2-Arrow, Kenneth J., 'the potentials and limits of the market in resource allocation', Feiwel, G. R. (ed), in: issues in contemporary micro economical welfare, London: the Macmillan press, 1985
- 3-Barzel, Yoram, 'Transaction Costs: Are They Just Costs?', 141 Journal of Institutional and Theoretical Economics, 1985
- 4-Baumol, William J. and Klevorick, Alvin K., 'Input Choices and Rate of Return Regulation: an Overview of the Discussion', 1 Bell Journal of Economics and Management Science, 1970
- 5-Baumol, William J. and Ordover, Janusz A., 'Use of Antitrust to Subvert Competition', 28, Journal of Law and Economics, 1985
- 6-Buchanan, James and Wm. Craig Stubblebine, «Externality», *Economica*, Vol.29, No. 116, November 1962
- 7-Carl J. Dahlman, "The Problem of Externality", *Journal of Law and Economics*, Vol. 22, No. 1, Apr. 1979
- 8-Gruenspecht, Howard K. and Lave, L.B, 'The Economics of Health, Safety and Environmental Regulation', in Schmalensee, Richard and Willig, Robert D. (eds), *Handbook of Industrial Organization II*, Amsterdam: North Holland, 1989
- 9-Johan den Hertog, "General theories of regulation" Economic Institute/ CLAV, Utrecht University, 1999
- 10-Jordan, William A., 'Producer Protection, Prior Market Structure and the Effects of Government Regulation', 15 *Journal of Law and Economics*, 197
- 11-Joskow, Paul L. and Noll, Roger C., 'Regulation in Theory and Practice: Studies in Public Regulation, Cambridge: MA, The MIT Press, 1981
- 12-Laffont, J. J., "Externalities", In *The New Palgrave Dictionary of Economics*, S. N. Durlauf and L. E. Blume (Ed.) Second Edition, 2008
- 13-Kenneth J. Arrow, «The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the market Allocations,» in *Analysis and Evaluation of Public - Choice of Market versus Non*

- Expenditures: The PPP System. Washington D.C.: Joint Economic Committee of Congress, 1969
- 14-Leland, Hayne E., 'Quacks, Lemons, and Licensing: A Theory of Minimum Quality Standards', 87 Journal of Political Economy, 1979
- 15-Musgrave, Richard A. 'Provision for Social Goods', in Margolis, Julius and Guitton, H. (eds), Public Economics, New York: St. Martin's Press, 1969
- 16-Nelson, Philip, 'Advertising as Information', 82 Journal of Political Economy, 1974
- 17-Ng, Yew Kwang, 'Some Fundamental Issues in Social Welfare', in Feiwel, G.R. (ed.), Issues in Contemporary Microeconomics and Welfare, London: The Macmillan Press, 1985
- 18-Posner, Richard A., "Theories of economic regulation NBER working paper series, Working Paper No.41 , Center for economic analysis of human behavior and social institutions", National Bureau of Economic Research, 1974
- 19-Rothschild, Michael and Stiglitz, Joseph E., 'Equilibrium in Competitive Insurance Markets', 90 Quarterly Journal of Economics, 1976
- 20-Winston, Clifford, 'Economic Deregulation: Days of Reckoning for Microeconomists', 31(3) Journal of Economic Literature, 1993
- 21-www.wikipidia.com.

Examination of theories governing on state regulation in public economic law

Reza Tajarlo *

Abstract:

In this paper the main theories of regulation including; public interest theories, private interest theories) capture theory (and institutionalist theories of regulation was examined. The aim was to consider the underlying policy and the reasons of regulation and to find out how the regulation has been constituted. It was found that the Public interest theories consider the regulation for achieving public interest, market efficiency and to solve the market failure. Capture theory considers the regulation as a device for achieving the private interest of groups by monopolizing and affecting in policy making and legislation. Institutionalists' theories have this view that the public interests, private interests and institutionalists' interests should be combined together in constituting the regulations. The recommendation of this paper is that we need to take account all different interests, for example we should give attention to public interests, the interests of social institutionalists and the interests of economic elites and in the main time the monopoly should be prevented. The regulation of our system should be reformed according to our conditions and according to our social values

Keywords: public interest theories, private interest theories, institutionalist theories of regulation, market failure.

*. Academic Member of Faculty of Law of Tehran University

rtajarlou@ut.ac.ir